



امور زیربنایی



امور زیربنایی

■ نقدی بر تعرفه‌های برق خانوار در هرمزگان
ش. پرو. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مداخل

در صنعت برق، توجه به توسعه تجهیزات امری ضروری و اجتناب ناپذیر است و در کشورهای که توان مالی و امکانات این توسعه فراهم باشد، این تصمیم بسیار ضروری و حیاتی می‌نماید. لیکن به موازات تراکم و تکثیر سرمایه‌ها و انباشت دارایی‌ها، صنعت برق محتاج تنظیمات و تدابیر پیچیده‌تر، حساب شده‌تر، جامع‌تر و در یک کلام مؤثرتر و مفیدتری خواهد شد که اگر توسعه، ملازم و همراه آنها نباشد، نه تنها سرمایه‌هایی که به دست کسب در بخش‌های دیگر اقتصاد به این صنعت سرازیر شده‌اند، کارایی کمتری خواهند داشت، بلکه تنظیم امور نیز دچار مشکل خواهد شد. یکی از مواردی که به تنظیم و تسبیح امور در صنایع برق کمک بسیار مؤثری می‌کند تعرفه است. در حال حاضر تعرفه، عالی‌ترین اهرم برای تنظیم صنایع برق در جهان محسوب می‌شود. آن طور که تمام علائم صحت و مرض را به تنهایی آشکار می‌کند.

مرکز پژوهش‌ها در این جهت، نتیجه یک کار پژوهشی را تحت عنوان «تعرفه برق، تأملی در نارسایی‌ها در نشریه مجلس و پژوهش شماره ۱۶ سال ۱۳۷۳ منتشر کرد که در آن به ابعاد برخی نارسایی‌های موجود در تعرفه‌های برق اشاره شده بود. آن مقاله مورد توجه کارشناسان دست‌اندرکاران صنعت برق قرار گرفت. متعجب آن، نظرهای کارشناسی متعددی حاصل شد که از آن میان مقاله حاضر به لحاظ تعلق آن به استان محروم هرمزگان حایز توجه و اهمیت دانسته شد. نویسنده مقاله، در واقع به تأثیر اصلی نارسایی‌های تعرفه برق در استان ساحلی و محروم هرمزگان پرداخته و اگر چه در برخی موارد در داوری دچار تعجیل گردیده، با این حال می‌توان گفت کوشیده به مشکلات تعرفه در اقتصاد متعلقه نگریسته و آن را مورد کتدوکار قرار دهد.

ذکر این سخن ضروری به نظر می‌رسد که بخش نیرو در مجموعه فعالیت‌های زیربنایی کشور دارای کارنامه‌ای درخشان بوده و خوشبختانه توفیقات مدیریت این بخش - در رأس وزارت نیرو - همچنان تداوم دارد. مضافاً اقداماتی که در جهت کنترل مصرف به انجام رسیده من حیث المجموع ارزنده و قابل تقدیر است. با این حال وجود برخی نارسایی‌ها نباید از نظر دور بماند. مجلس و پژوهش ضمن جلب توجه خوانندگان گرامی، آمادگی دارد متقابلاً نظرات وزارت محترم نیرو را منتشر نماید.



■ نقدی بر تعرفه‌های برق خانوار در هرمزگان

مهندس سید مرتضی ماشمی
سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان

محلی با رنگ‌های روشن، گریز تابستانی به نخلستان‌های اطراف شهرها و الگوهای خاص تغذیه که بر مصرف ماهی استوار بود، برخی از جلوه‌های زندگی دلنشین ساحل‌نشینان جنوب در نبود برق بود. در مقابل، فقدان برق موجب ناهنجاری‌های متعددی بوده و شاخص‌های حیاتی و بهداشتی را در حد نازلی قرار می‌داد. شیوع بیماری‌های پوستی و عفونی مانند گال، انواع قارچ‌ها، انگل‌ها، اسهال و مسمومیت‌های غذایی، همه نشانه‌های جامعه‌ای عقب افتاده و توسعه نیافته از ثمرات پیشرفت‌های جدید و از جمله انرژی برق به شمار می‌رفت.

پیش نوشتار

ورود «برق» به حیطه زندگی مردم هرمزگان مانند هر نقطه دیگر، آغازگر تحولی شگرف در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان بود. مردم آفتاب سوخته خطه‌های گرم جنوب در غیاب این نیروی حیات‌بخش، فعالیت‌های معیشتی و شکل زندگی اجتماعی خود را سامان داده بودند. خانه‌های دو طبقه بزرگ که عمدتاً با گِل ساخته شده بود، دیوارهای بلند و قطور، اتاق‌هایی با درها و پنجره‌های وسیع رویه دریا، بادگیرهای برافراشته، کوچه‌های باریک و بادگیر و همیشه سایه‌دار، حیاط گسترده و مشجر، لباس‌های نازک و خنک

دانست:

۱- افزایش درآمد واحدهای تولید برق (شرکت توانیر، شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای و به عبارت صحیح‌تر، دولت)؛

۲- تبدیل درآمدهای مازاد بر هزینه به مکانیزم توسعه شبکه‌های برق، از طریق انتقال این منابع به اعتبارات عمرانی دولت؛

۳- خودگردانی یا خود انکابی شرکت‌های برق منطقه‌ای (که در گذشته متکی به منابع دولتی بودند)، در جهت تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی آنها و در واقع حذف یارانه مربوطه؛

۴- صرفه جویی در مصرف برق (به دلیل کمبود تولید در تقابل با افزایش سطح تقاضا)؛

۵- تعدیل نرخ تعرفه‌ها با اتخاذ روش‌های صعودی، پلکانی و یا محاسبه مصرف کل، به نحوی که توزیع هزینه‌های تولید بین گروه‌های مختلف مصرف - و به تبع آن گروه‌های مختلف درآمدی - تناسب منطقی داشته باشد. در حقیقت کسانی که تمایل به برخورداری از سطح رفاه بیشتری دارند، باید بخشی از هزینه مصرف گروه‌های کم درآمد و کم مصرف را تقبل نمایند.

آنچه در مقاله حاضر بررسی شده استحکام و صحت دو دیدگاه آخر و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آنهاست؛

با ورود برق به زندگی مردم و افزایش مصرف آن، همراه با توسعه نیروگاه‌ها و شبکه‌های تولید و توزیع، ساختار زندگی مردم دگرگون شد، بیماری‌ها تا حد زیادی مهار گردید، سطح رفاه اجتماعی و تمایل به ماندگاری و تشیت جمعیت به روندی آشکار مبدل شد، کسب و کار رونق گرفت و در نتیجه، مهاجرت به استان و افزایش میزان رشد به ازایاد نفوس انجامید. در این میان، افزایش مصرف برق و متنوع شدن نوع آن نه تنها عامل اصلی توسعه بود، بلکه در روند تأثیرات متقابل از توسعه نیز متأثر گردید. همانند تمامی جوامع، مصرف برق به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی تلقی شد و میزان رشد مصرف برق میزان رشد جمعیت به طور مداوم پیشی گرفت.

بدیهی است این گرایش تا قبل از برقراری تعرفه‌های جدید به روند مستمر خود ادامه داد. ملاحظه ارقام و داده‌های مربوط به مصرف کل و سرانه برق طی سال‌های اخیر، خود شاهد صادقی بر این مدعاست. هر چند آمارهای مصرف کل و سرانه در مقاطع زمانی اخیر در دسترس نیست، ولی با اطمینان قاطع می‌توان گفت که مصرف سرانه طی دو تا سه سال اخیر رو به کاهش گذاشته است. در حقیقت یکی از اهداف اصلی افزایش تعرفه را باید در کاهش سرانه مصرف جستجو کرد، هدفی که تا حدی تحصیل شده است. اصولاً باید دلیل افزایش تعرفه برق را در عوامل زیر



۱-۲- تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور

طبق بند «الف» تبصره مزبور به وزارت نیرو اجازه داده شده در سال ۱۳۷۳ تعرفه‌های برق را به صورت تصاعدی و فصلی و با رعایت موارد دوازده گانه که شامل مقدار و نوع مصرف است تنظیم و اجرا نماید.

۱-۳- نشریه «تعرفه‌های برق و شرایط عمومی آنها»

این تعرفه طی بخشنامه شماره ۲۹۷/۱۰۰ مورخ ۷۲/۱۲/۲۶ وزارت نیرو به شرکت‌های برق منطقه‌ای حسب اختیارات حاصل از قانون سازمان برق ایران و به استناد تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ برای اجرا ابلاغ شده است.

۱-۴- سایر دستورالعمل‌های محاسبه هزینه مصرفی برق که مورد عمل شرکت‌های برق منطقه‌ای است

باملاحظه اسناد و مصوبات فوق مشخص می‌شود که، ابتدای سال ۱۳۷۲، نقطه آغاز در افزایش هزینه‌های برق در مورد مصارف بالاتر از ۷۵۰ یا ۳۵۰۰ کیلووات (در فصل گرم مناطق گرمسیر) بوده و مقطع زمانی بعدی در افزایش تعرفه نیز ابتدای سال ۱۳۷۳ است که مجدداً این تعرفه‌ها روند صعودی پیدا کرد.

۲- نقد و بررسی محدوده‌های مصرف و طیف زمانی آن

طبق تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۲، حد مناسب و معمول مصرف ماهانه برق در ماه‌های گرم در مناطق گرمسیر ۳۵۰۰

زیرا در درستی اهداف و استراتژی‌های سه‌گانه نخست که، در واقع چهره‌های مختلف سیاست تعدیل اقتصادی است نردیدی وجود ندارد. تأمین هزینه‌های تولید توسط مصرف‌کنندگان و به ویژه سرازیرکردن مجدد درآمدهای احتمالی حاصل به جریان تولید که منافع به دست‌آمده را به گروه‌های مصرف‌کننده برمی‌گرداند، راه کارهایی هستند که، در شرایط کنونی از ضرورت و اعتبار تمام برخوردارند.

۱- سابقه امر و مصوبات مورد عمل

آنچه در این گزارش به عنوان اسناد و مصوبات مربوط به تعرفه برق، ملاک بررسی قرار گرفته است به شرح زیر می‌باشد:

۱-۱- تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور

بر اساس بند «ج» تبصره فوق، وزارت نیرو مکلف شده بهای فروش برق مشترکان خانگی و تجاری را که میزان مصرف ماهانه آنها کمتر از ۷۵۰ کیلووات ساعت (در فصول گرم برای مناطق گرمسیری کمتر از ۳۵۰۰ کیلووات ساعت) باشد، معادل قیمت‌های سال ۱۳۷۱ محاسبه و دریافت نماید. به وزارت نیرو اجازه داده شده بهای مازاد بر مصارف فوق را به قیمت تمام شده دریافت نماید.

مصوبه فوق را باید آغازگر افزایش هزینه‌های برق مصرفی خانگی و تجاری تلقی نمود.

کیلووات و در سایر ماهها ۷۵۰ کیلووات برآورد شده است. این حد از مصرف براساس اظهارات مسئولان شرکت برق منطقه‌ای تقریباً معادل مصرف ۲۴ ساعته یک دستگاه کولر ۱۷ هزار بی. تی. یو، یک دستگاه لباسشویی، فریزر، یخچال، تلویزیون، اتو و بقیه وسایل برقی و روشنایی و مصارف معمول بوده که با بررسی‌های کارشناسانه برآورد شده است. تجارب حاصل شده و ملاحظه ارقام مصرف خانوارهای شهری بندرعباس حتی در سال‌های گذشته و قبل از برقراری تعرفه جدید، منطقی بودن ارقام مزبور را تأیید می‌کند.

میزان مصرف کولر ۱۷ هزار تقریباً ۲۰۰۰ کیلووات و سایر دستگاه‌های فوق نیز در حد ۱۵۰۰ کیلووات در ماه است، ولی در عین حال به این تعرفه ایرادها و انتقادهای زیر وارد است:

۱- میزان مصرف برق در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه از شاخص‌های مهم پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی است. از سوی دیگر، برق یکی از عوامل و زیربناهای اصلی توسعه بوده و سطح مصرف آن با میزان رشد اقتصادی همخوانی و پیوستگی دارد. در حقیقت، سرانه مصرف برق همراه با آهنگ و میزان رشد، ترقی کرده و ایستایی آن یکی از علل توسعه نیافتگی است. بی‌توجهی به توسعه از طریق

تعیین مصرف برق به مقدار کم، معادل حداقل ثابت نگاه داشتن سطح توسعه و میزان برخورداری از رفاه است که و پدیده‌ای ضد توسعه به حساب می‌آید. پذیرش صرفه‌جویی در مصرف برق به عنوان ارزشی مثبت، نوعی اعتراف به عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی بوده و نشان‌دهنده ضعف توان تولید و کاهش سطح رفاه اجتماعی خواهد بود. اتخاذ این استراتژی ما را به جرگه کشورهای عقب‌مانده و فقیر که فاقد امکانات زیربنایی هستند و کمبود تولید انرژی دارند، خواهد کشاند.

۲- این استدلال که با اعمال سیاست صرفه‌جویی، مازاد حاصل صرف توسعه اقتصادی کشور می‌شود و تولید برق را نیز افزایش خواهد داد، نافی و باطل کننده نقطه نظر ارائه شده نخواهد بود؛ زیرا تغییر در تعرفه‌ها به کلیه بخش‌های اقتصادی تسری می‌یابد و توسعه آنها را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. از سوی دیگر، توسعه شبکه‌های موجود، عامل افزایش محدوده مصرف و کاهش تعرفه برق نمی‌شود و در نتیجه، افت سطح رفاه جامعه استمرار می‌یابد.

باید اذعان داشت که هدف اصلی از اعمال سیاست مزبور، افزایش درآمد شرکت‌های برق منطقه‌ای و تأمین هزینه‌های روبه‌ازدیاد آنهاست. در واقع، سیاست محدودیت سطح مصرف



فصول گرم نگه می‌دارد، استفاده توأم از آبگرمکن‌های برقی و کولرهای گازی است. اصولاً به دلیل فقدان شبکه لوله‌کشی گاز در شهرهای استان و توزیع نامناسب آن، بیش از ۹۰ درصد واحدهای مسکونی برای گرم کردن آب حمام از آبگرمکن‌های برقی استفاده می‌کنند. بر اساس داده‌های نشریه نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمدهای خانوارهای شهری، در سال ۱۳۷۲ حدود ۹۵ درصد از خانوارهای نمونه شهری استان هرمزگان از حمام گرم استفاده کرده‌اند. حداقل ۹۰ درصد از این رقم مربوط به آبگرمکن‌های برقی است که پس از کولر بالاترین میزان مصرف برق را دارند، (دستگاه‌های تبدیل انرژی الکتریکی به حرارتی بازده کمتری دارند و اتلاف انرژی در آنها زیاد است). ملاحظه قبض‌های برق و کنترل کتورهای مصرف مؤید این ادعاست.

۵- در هرمزگان به دلیل شرایط اقلیمی، مسیزان مصرف انرژی بسیاری از دستگاه‌های برقی بیش از سایر نقاط کشور است. مثلاً لباسشویی‌ها به علت شستشوی مداوم لباس‌ها (در هرمزگان استحمام هر روزه و در مواردی دویار در روز است و در هشت ماه گرم سال، تعویض لباس امری ضروری و عادی است) از استهلاك بیشتر و عمر کمتری دارند و به تبع آن، استفاده از اتوهای برقی نیز از حد معمول به مراتب بیشتر

به یک وسیله تبدیل شده نه خود هدف، و منظورگایی نیز چیزی جز افزایش درآمد از طریق اخذ هزینه‌های تصاعدی از طالبان سطح رفاه بالاتر و صاحبان درآمد بیشتر نیست.

۳- محدود کردن مدت زمان گرما به شش ماه در سال (از اردیبهشت تا مهر)، نشان‌دهنده بی‌توجهی به موقعیت جغرافیایی و اقلیمی منطقه است. نادرست بودن این تصمیم نیازی به اثبات ندارد.

مردم هرمزگان و شهروندان آن به ویژه در نوار ساحلی، گرما و شرجی بودن هوا را از اواخر اسفند ماه با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. کولرها باید حداکثر از اوایل فروردین ماه روشن شود و استفاده از آن تا آخر آبان‌ماه ادامه دارد. خانه‌های مسکونی کوچک و دلگیر با دیوارهای بتونی و نازک که حتی از نوازش نسیم مرطوب دریا محرومند، بدون کولر قابل تحمل نیست. در شرایط معمولی، بسته به موقعیت استقرار واحد مسکونی و درآمد خانوار، از نیمه دوم اسفند تا ده آذر، کولرها مدام روشن هستند تا حداقل شرایط مصنوعی لازم را برای زیست فراهم سازند. اعمال سیاست فوق و قرار دادن ماه‌های فروردین و آبان در طیف ماه‌های سرد، چشم بستن بر واقعیتی مسلم و انکارناپذیر است.

۴- یکی از عواملی که میزان مصرف برق در ماه‌های آبان و فروردین را در حد سایر

است. تأثیر این عوامل که در محاسبه حد متوسط مصرف منظور نشده است قابل توجه و تجدیدنظر است.

۶- استناد احتمالی مدافعان تعرفه‌های جدید به میزان مصرف (به فرض کاهش یا ثابت ماندن) می‌تواند بسیار گمراه کننده باشد. در واقع، ممکن است کاهش مصرف یکی از دستاوردهای مثبت این سیاست باشد، در حالی که صحیح تر آن است که میزان تولید برق همراه با مصرف ملاک عمل قرار گیرد. در صورت تعیین دقیق این دو رقم (کل تولیدی که به شبکه‌های مصرف داده شده و کل مصرف) ممکن است با شکاف عمیقی مواجه شویم که نشان‌دهنده پدیده‌ای بسیار ناهنجار فرهنگی یا به عبارت دیگر «دزدی برق» است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

مصرف‌کننده و به ویژه دارندگان درآمدهای ثابت به ناچار سطح مصرف برق را به منظور تثبیت هزینه‌های خود همواره کاهش می‌دهند. آن بخشی از کاهش مزبور که شامل صرفه‌جویی است شاید پدیده‌ای مثبت تلقی گردد، ولی استمرار آن و یا حذف بسیاری از نیازهای ضروری به معنی چیزی جز افت سطح زندگی و رفاه و در نتیجه بروز ناهنجاری‌های متعدد بهداشتی یا فرهنگی و اجتماعی و بالاخره گمترش

سطح نارضایتی در میان مردم نخواهد بود. در هرمزگان مانند همه جای کشور نیاز بیشتری به توسعه یافتن و طبعاً انرژی برق دارد اما اتخاذ این سیاست می‌تواند توسعه اقتصادی و اجتماعی را زیر سؤال ببرد. این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که، نیافتن توسعه استان در گذشته تحت تأثیر شرایط بد اقلیمی و تنگناهای جغرافیایی بوده و نیروی برق این وضعیت را تا حد زیادی تعدیل کرده است، در نتیجه همیشه این خطر وجود دارد که کاهش سرانه مصرف و افت آن تا زیر استانداردهای معقول، منجر به ایجاد روند برگشت و گرایش قهقرایی در توسعه استان شود.

۷- یکی از ایرادهای زرده، مشخص نبودن ملاک‌های تعیین حد متوسط مصرف است. معلوم نیست با چه ضوابط و معیارهایی و بر اساس کدام سطح مطلوب زندگی، محدوده‌های مصرف طبقه‌بندی شده است. شاخص مصرف استاندارد یک زندگی متوسط چیست و چگونه انتخاب می‌شود؟ آیا این ارقام از میانگین‌ها و شاخص‌های سایر کشورهای در حال توسعه (در اقلیم مشابه) گرفته شده و یا در تعیین آنها از فرمول‌ها و معیارهای ریاضی استفاده شده است؟ آیا این تصمیمات صرفاً در بُعد ملی اتخاذ شده است؟ آیا در تعیین ارقام مصرف، خصوصیات ویژگی‌های

فرهنگی و اجتماعی مردم استان و ساختار معیشتی آنها در نظر گرفته شده یا خیر؟

تاکنون به این سؤالها و بسیاری از پرسش‌های دیگر به درستی پاسخ داده نشده است. به نظر می‌رسد دیدگاهی صرفاً مکانیکی و خشک بر تعیین الگوهای مورد نظر حاکم بوده و بسیاری از ملاحظات مؤثر بر این مجموعه مد نظر قرار نگرفته است.

این انعطاف‌ناپذیری و بیش از غیر واقعی حتی به تعیین محدوده‌های مصرف نیز کشیده شده است. میزان بخشودگی مصرف تا ۶۰ کیلووات است که عملاً هیچ مصداقی ندارد، مگر آن که زندگی در پایین‌ترین حد خط فقر یعنی استفاده نکردن از کولر و کلیه دستگاه‌های برقی و صرفاً تأمین روشنایی در نظر گرفته شود. در واقع، تحت هیچ شرایطی میزان مصرف یک خانوار معمولی شهری (مثلاً یک کارمند معمولی دولت) کمتر از ۱۵۰۰ کیلووات نخواهد بود (آن هم در صورتی که فقط چند ساعت کولر را روشن کنند و بیشتر اوقات روز را با پنکه سپری نمایند). بنابراین، سه محدوده نخست مصرف و حتی محدوده چهارم، عملاً مصداقی نداشته و فقط بر روی کاغذ موجودیت می‌یابد.

۸- پلکان مصرف و به عبارت دیگر محدوده‌های مصرف در تعرفه وزارت نیرو که در گزارش تعرفه‌های برق و

شرایط عمومی آنها مندرج است، با محدوده‌های مذکور در تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ که مورد استناد وزارت نیرو است همخوانی و انطباق کامل ندارد. در تبصره ۲۵، پلکان مصرف بین ۲۵۰ تا ۱۰۰۰ کیلووات برای کل کشور و برای مناطق گرمسیر در فصول گرم تا ۳۵۰۰ کیلووات به قیمت تعرفه‌های سال ۱۳۷۲ و بیش از آن به صورت مقطوع به قیمت متوسط ۸۰ ریال تعیین شده است. در حالی که، در تعرفه وزارت نیرو پس از حد ۵۰۰ کیلووات، فاصله پلکان ۵۰۰ و ۱۰۰۰ کیلووات تا ۳۵۰۰ کیلووات و پس از آن ۱۰۰ کیلووات می‌باشد. در مورد تعرفه شماره (۱) که مربوط به مناطق معمولی و ماه‌های غیرگرم مناطق گرمسیری است نیز این دوگانگی صادق است. علاوه بر این، فاصله پلکان‌ها ساخت منطقی ندارد، مثلاً فاصله پلکان ۳۰ تا مرز ۲۱۰ و ۴۰ بین ۲۱۰ تا ۲۶۰ کیلووات بوده و پس از آن در فاصله مصرف بین ۲۶۰ تا ۴۳۰، این فاصله به ۱۰ کاهش یافته و مجدداً در پلکان ۴۳۰ تا ۵۰۰ به ۷۰ کیلووات افزایش یافته است. فاصله‌های بعدی نیز به ترتیب ۵۰، ۲۵، ۵۰ و ۱۰۰ کیلووات است که نشان‌دهنده نوسان فاصله‌هاست. هیچ توجیهی برای این نوسان‌ها در محدوده مصرف خانگی ارائه نشده و معلوم نیست چرا این پلکان مصرف فاقد نظم منطقی است. معمولاً فاصله‌ها بر حسب مقتضیات

۳- نقد و بررسی تعرفه‌های مصرف هر چند ارقام مصرف و تعرفه‌ها با یکدیگر مرتبط هستند و در واقع یک مقوله‌اند، ولی نظر به سهولت امر، این دو موضوع به صورت جداگانه بررسی شده و موضوع تعرفه‌ها با میزان مصرف به طور یک جا مورد نقد قرار گرفته است.

بر اساس مفاد تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۲، مصرف ماهانه تا ۳۵۰۰ کیلووات در فصول گرم مناطق گرمسیر باید معادل قیمت‌های سال ۱۳۷۱ محاسبه شود، ولی مصارف بیش از آن باید به قیمت تمام شده محاسبه شود. بر اساس تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ (بسنده الف) تبصره ۵)، مصارف تا ۳۵۰۰ کیلووات طبق تعرفه سال ۱۳۷۲ (و در واقع معادل همان قیمت‌های سال ۱۳۷۱) و بیش از آن به طور متوسط هر کیلووات ۸۰ ریال (به صورت تصاعدی - فصلی) محاسبه خواهد شد. از آنجا که در تبصره‌های قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور به تعرفه برق اشاره‌ای نشده است، تعرفه‌های سال ۱۳۷۳ در سال ۱۳۷۴ و احتمالاً پس از آن نیز ملاک محاسبه خواهد بود.

مقایسه تعرفه‌های فعلی و سال ۱۳۷۱، نشان‌دهنده جهشی قابل ملاحظه در سطح هزینه‌ها به ویژه در محدوده مصرف ماهانه بیش از ۳۵۰۰ کیلووات است. بر اساس قانون، مصرف تا ۳۵۰۰ کیلووات مشمول هیچ‌گونه افزایشی نبوده و وزارت نیرو

خود یا صعودی هستند یا نزولی، در صورتی که در تعرفه مزبور نوسان دارند و نامنظمند. ساخت غیر منطقی یادشده با ملاحظه تغییرات صعودی تعرفه قیمت برق بیشتر مشخص می‌گردد.

۹- یکی از عوامل مؤثر بر میزان مصرف، بُعد خانوار است. این رقم در هرمزگان ۵/۸ نفر می‌باشد که از میانگین ملی (کمتر از پنج نفر) بالاتر است. بالا بودن بُعد خانوار عمدتاً نیاز به استفاده از دو کولر را ضروری می‌سازد که، در نتیجه میزان مصرف ماهانه باز هم به مراتب بیشتر از استاندارد تعیین شده است.

۱۰- استفاده از کولرها و سایر دستگاه‌های برقی فرسوده و مستهلک که، شهروندان به دلیل قیمت بسیار بالای آنها قادر به تعویض و خرید مجدد نیستند، باعث آفت بازده مصرف می‌گردد. در حقیقت استاندارد تعیین شده در مورد کولرها و سایر ادوات برقی نو صادق است، ولی ابزار و دستگاه‌های کهنه عملاً مصرف بالاتری دارند. شایان ذکر است که، عمر متوسط کولرهای موجود در بیشتر منازل استان بیش از ده سال است، که از نظر استانداردهای فنی خارج از رده‌اند، ولی به دلیل افزایش زیاد قیمت کولر گازی (که در سال جاری از مرز سه میلیون ریال نیز فراتر رفته است) خانوارهای معمولی قادر به نوسازی آنها نیستند.



۵۰۰ و ۱۰۰۰ کیلووات (در ماه‌های گرم مناطق گرمسیر) تضمین می‌نمایند؟ از آن گذشته قیمت تمام شده، خود تابع عوامل متعددی است که، یکی از آنها هزینه‌های سازمانی شرکت‌های برق منطقه‌ای است. آیا هزینه‌های بوروکراسی زائد و یا مربوط به ضعف کارایی و نیروی انسانی این شرکت‌ها را نیز باید مردم بپردازند؟ آیا این سیاست منجر به افزایش ریخت و پاش و انجام هزینه‌های غیر ضروری در این واحدها نخواهد شد؟ بدیهی است در این شرایط شرکت‌های برق منطقه‌ای هیچ تمایلی به صرفه‌جویی و افزایش کارایی نیروی انسانی از خود نشان نخواهند داد؛ زیرا در هر حال این هزینه از جیب مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شود. عدم دریافت هزینه برق از کارکنان این واحدها جلوه دیگری از این دیدگاه است. آیا همزمان با اتخاذ سیاست‌های جدید تعرفه، اقداماتی در خصوص کاهش هزینه‌های این واحدها و ارتقای کارایی نیروی انسانی آنها صورت گرفته است یا خیر؟ آیا هزینه سرانه تولید به ازای واحد نیروی انسانی در کشور ما با کشورهای دیگر با شرایط مشابه مقایسه شده است؟ و آیا نمی‌توان بخشی از هزینه‌های تولید را با راه‌کارهای منطقی تری مانند کاهش هزینه‌های تولید تأمین نمود؟ اصولاً مجوزی که تعرفه را شاور ساخته و آن را تابعی از قیمت تمام شده قرار می‌دهد، می‌تواند

مکلف است طبق تعرفه سال ۱۳۷۱، از مشترکین هزینه برق مصرفی را دریافت نماید. از این رو، آنچه در این بخش مورد نقد و بررسی قرار گرفته تعرفه‌های مازاد بر ۳۵۰۰ کیلووات و نحوه محاسبه آن براساس دستورالعمل وزارت نیرو است، که مایه اصلی نگرانی‌ها و موجد فشارهای اقتصادی برای تعداد قابل توجهی از شهروندان هرمزگانی است که به دلایلی که در بخش گذشته برشمردیم عملاً بیش از میزان فوق مصرف داشته و قادر به صرفه‌جویی نیستند. بر این تعرفه‌ها و نحوه محاسبه آن ایرادهای اصولی زیر را می‌توان وارد ساخت:

۱- تعرفه‌های وضع شده از سوی وزارت نیرو مشروعیت خود را از مفاد تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ می‌گیرد: «... به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود بهای مازاد بر مصرف فوق (۳۵۰۰ کیلووات در ماه) را به قیمت تمام شده دریافت نماید. این مصوبه که متأثر از روح و دیدگاه حاکم بر سیاست تعدیل اقتصادی است، دستمایه وزارت نیرو در محاسبه و تعیین تعرفه‌های جدید شده و در سال ۱۳۷۳ نیز استمرار یافته است. در حقیقت در این مصوبه نوعی ابهام و اشکال ماهوی وجود دارد؛ قیمت تمام شده چگونه محاسبه شده و در محدوده‌های مختلف مصرف به چه نحو تعیین می‌گردد؟ چه شاخص‌ها و فرمول‌هایی دقت و صحت را در محاسبات، آن هم در فاصله‌های ۱۰، ۳۰ و ۴۰ کیلووات (در ماه‌های غیر گرم) و

آسودگی و آسایش خاطر مصرف‌کنندگان سلب کند.

۲- همان‌طور که ذکر شد، بر طبق تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور، مصارف بیش از ۳۵۰۰ کیلووات در ماه‌های گرم مناطق گرمسیر باید به قیمت متوسط هر کیلووات ۸۰ ریال محاسبه شود. بررسی تعرفه‌های وزارت نیرو نشان می‌دهد که این میانگین بین ۳۴۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلووات حتی کمتر از ۷۱ ریال است (حداقل ۳۶ و حداکثر ۱۱۰ ریال). ولی به نظر می‌رسد که، نحوه محاسبه این شرکت با مفاد قانون مغایرت داشته باشد. بر اساس قانون، روش محاسبه به صورت تصاعدی و در فاصله محدوده‌های ۱۰۰ کیلووات است، در حالی که، شرکت برق مینا را بر محاسبه مصرف کل قرار داده است. به عبارت دیگر، چنانچه مصرف حتی یک کیلووات بیشتر از ۳۵۰۰ باشد، تمام آن با قیمت بالاتر محاسبه می‌گردد.

محاسبه بر اساس کل مصرف که باعث بیشترین شکایت شهروندان هرزگانی شده است، باید روشی بسیار غیر منطقی و غیر عقلایی دانست که با موازین و راه کارهای شناخته شده مورد عمل در جهان هیچ انطباقی ندارد. این روش نه عاقلانه است نه اسلامی و نه علمی. چرا باید مصرف‌کننده‌ای که مثلاً فقط یک کیلووات بیش از دیگری

مصرف برق داشته، چندین برابر (و در مواردی تا ده برابر) هزینه برق پرداخت نماید؟ آیا منظور قانون‌گذار اعمال این روش ناعادلانه و غیر عقلایی است؟ آیا این سیاست با آرمان‌ها و اصول نظام اسلامی در تضادی آشکار قرار ندارد؟

به راحتی می‌توان پیامدهای مطلوب این روش را در سطح جامعه حدس زد. به این غیرمنصفانه همیشه در محافل و مجالس مختلف خانوادگی، اداری و غیره شدیدترین حملات شده و وضع کنندگان و یا موافقان آن به داشتن دیدگاهی غیر منطقی و حتی ظالمانه متهم می‌گردند. مصرف‌کننده نمی‌تواند درک نماید که چرا روش کل مصرف به جای روش منطقی صعودی مازاد مصرف مورد عمل قرار می‌گیرد. اگر مثلاً میزان مصرف ماهانه تا ۳۵۰۰ کیلووات معقول و مشروع است، چرا باید با چند کیلووات اضافه مصرف که ممکن است ناگزیر و به دلایل متعدد خارج از کنترل باشد- این محدوده نیز مشمول تعرفه بالا و به عبارت دیگر جزو طیف تنبیه قرار گیرد؟ چرا باید تعرفه مزبور به عنوان شاخص بی‌سیاستی و بینش غیر عقلایی از یک سو، و بی توجهی و تسامح نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی شهروندان از سوی دیگر قلمداد شود؟

۳- یکی دیگر از موارد مناسب روش

محاسبه مورد عمل شرکت‌های برق منطقه‌ای مربوط به دوره‌های مشترک بین ماه‌های گرم و غیر گرم است که این امر دوبار در سال اتفاق می‌افتد. مورد نخست ماه‌های فروردین و اردیبهشت و حالت بعدی مهر و آبان است. اردیبهشت و مهر جزو ماه‌های گرم، و فروردین و آبان جزو ماه‌های غیرگرم است. گذشته از آن‌که عملاً در دو ماه غیر گرم فرق نیز کولرها (به اضافه آبگرمکن) روشن است و به مراتب بیش از ۷۵۰ کیلووات (حد پایین تعرفه) مصرف می‌شود، نحوه محاسبه نیز خود موجب هزینه مضاعف می‌گردد. فرمول مورد عمل به نحوی است که، سهم هر یک از ماه‌های مزبور از حد متعارف بالاتر می‌رود. به عنوان مثال، در صورتی که کل مصرف یک دوره دو ماهه مزبور ۴۵۰۰ کیلووات باشد، اگر نحوه محاسبه به گونه‌ای باشد که ۳۵۰۰ کیلووات آن مربوط به ماه گرم و ۱۰۰۰ کیلووات آن مربوط به ماه غیر گرم در نظر گرفته شود، مصرف کننده فقط هزینه تعرفه بالای ماه غیرگرم (حدود ۱۴ هزار تومان) را می‌پردازد، ولی با فرمول اداره برق هر دو ماه مشمول تعرفه بالا (و به عبارت دیگر جریمه) شده و هزینه برق تقریباً به حدود ۴۸ هزار تومان بالغ می‌گردد. در عمل، توزیع این دو ماه به ترتیب و تقریب ۸۰۰ و ۳۷۰۰ کیلووات بوده و مشمول تعرفه بالا می‌شود. فرمول شرکت برق مصداق عینی و بارز

عدم انطباق واقعیت با مورد عمل است. حتی یک شهروند عادی نیز می‌داند که، مصرف مجموع ۴۵۰۰ کیلووات بین دو ماه مهر و آبان تقریباً مساوی است. بنابراین، فرمول غیرواقعی یاد شده محملی برای دریافت پول بیشتر از مشتری بوده و جز بهانه‌ای برای افزایش درآمد نیست.

۴- یکی دیگر از ایرادهای وارد بر این روش، خشک و غیر قابل انعطاف بودن آن است. میزان مصرف برق در یک خانوار شهری از یک سو تابعی از متغیرهای متعدد بوده و از سوی دیگر، در طول سال (حتی در محدوده زمانی ماه‌های گرم) نیز ثابت نمی‌ماند. بعضی از این متغیرها عبارت است از: بُعد خانوار، توزیع جنسی، توزیع سنی، وضعیت فرهنگی افراد خانوار، وضعیت مسکن از نظر نوع مصالح، تعداد اتاق‌ها و زیر بنای مفید، ساختار معیشتی و درآمد خانوار. همچنین در طول سال، بسته به شرایط مختلف و از جمله هنگام برگزاری امتحانات مدارس در ماه‌های فروردین تا خرداد که دانش‌آموزان نیاز به مطالعه دروس خود در اتاقی جداگانه دارند و با مهمان‌پذیری (در زمستان و به ویژه ایام عید که شهر توریستی بسندرعباس پذیرای صدها هزار نفر مسافر است) و سایر موارد، میزان مصرف دستخوش نوسان و فراز و نشیب زیادی می‌گردد، در حالی که تعرفه موجود بسیار خشک عمل کرده و



حتی معلوم نیست چه متغیرهایی را تا چه میزانی در محاسبات خود تأثیر داده است.

این واقعیت لزوم تجدید نظر در تعرفه‌ها و موارد جدید را که دارای ویژگی منعطف و پویا و در عین حال واقعی باشد ضروری می‌سازد. یکی از راه کارهای مؤثر می‌تواند برقراری دو تعرفه متفاوت باشد که گروه‌های مختلف معیشتی و یا طبقات اجتماعی را بسته به میزان درآمد و یا تعداد عائله و یا سایر متغیرهای مذکور، در گروه‌های متفاوت مشمول قرار دهد. به هر حال، مطالعه و بررسی کارشناسانه، علمی و آماری موضوع و تعیین دقیق سهم عوامل مؤثر بر هزینه برق می‌تواند درجه دقت و صحت تصمیمات ما را افزایش دهد و به برقراری تعرفه‌هایی عادلانه‌تر و واقعی‌تر بینجامد.

۵- محاسبه مصرف برق در محدوده زمانی دو ماهه به این مکانیزم حالت خشک و غیر منعطف مضاعفی می‌بخشد. در عمل ممکن است یک خانوار به دلایل متعدد در یک دوره دو ماهه کمتر از حد متعارف و در دوره بعدی بالاتر از آن مصرف نماید که در نتیجه در دوره اخیر مشمول تعرفه بالا و پرداخت هزینه فوق‌العاده می‌شود. در حالی که، خانوار دیگری که هر دوره در حد متعارف مصرف کرده است مشمول تعرفه بالا

نمی‌شود. در حقیقت هر دو خانوار در مدت چهار ماه مصرف مساوی داشته، ولی هزینه‌های کاملاً متفاوتی پرداخته‌اند. جایگزینی روشی که با طیف زمانی محاسبه را افزایش دهد و یا صرفه جویی و اسراف دو دوره را با یکدیگر خنثی سازد، می‌تواند این ناهنجاری را تعدیل نماید.

۶- انتقادهای برشمرده شده بعضاً در مورد تعرفه ماه‌های غیرگرم نیز صادق است. به غیر از نوسان فاصله‌ها که از ۱۰ تا ۱۰۰ کیلووات متغیر بوده و ساختاری غیر منطقی دارد، تغییرات تعرفه‌ها نیز هر چند صعودی است، ولی افزایش نامنظمی نشان می‌دهد. فاصله تغییرات در میزان مصرف و تعرفه آنها را می‌توان در جدول صفحه بعد خلاصه کرد.

در استان هرمزگان حتی در ماه‌های غیرگرم واقعی (آذر، دی، بهمن و اسفند) نیز عملاً میزان مصرف در حد بالاتر از ۷۵۰ کیلووات بوده و معمولاً در طیف ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلووات یا بیشتر قرار دارد. از این رو، مشمول تعرفه هر کیلووات ۱۱۰ ریال خواهد بود که معادل هزینه ماهانه حدود ۱۲۰ هزار ریال (با احتساب سایر هزینه‌ها حدود ۱۴۰ هزار ریال) است. این موضوع به دلیل استفاده از آبگرم‌کن‌های برقی که مصرف برق بالایی دارند اتفاق می‌افتد. یکی از ایرادهای وارده به تعرفه فوقی،



جدول ۱- فاصله تغییرات در میزان مصرف برق و تعرفه آن

ردیف	فواصل مصرف	میزان مصرف	تعرفه
۱	کمتر از ۴۰ کیلووات	از ۰ تا ۴۰ کیلووات	بخشودگی
۲	فاصله ۲۰ کیلووات	از ۳۰ تا ۶۰ کیلووات	مقطع ۵۵ ریال
۳	فاصله ۹۰ کیلووات	از ۶۰ تا ۱۵۰ کیلووات	مقطع ۳۳ ریال
۴	فاصله ۳۰ کیلووات	از ۱۵۰ تا ۲۱۰ کیلووات	مقطع ۳۸ ریال
۵	فاصله ۴۰ کیلووات	از ۲۱۰ تا ۲۵۰ کیلووات	مقطع ۳۸ ریال
۶	فاصله ۱۰ کیلووات	از ۲۵۰ تا ۴۳۰ کیلووات	تغییر تعرفه از ۱۷۷ تا ۱۷۷ ریال
۷	فاصله ۷۰ کیلووات	از ۴۳۰ تا ۵۰۰ کیلووات	مقطع ۲۰ ریال
۸	فاصله ۵۰ کیلووات	از ۵۰۰ تا ۷۰۰ کیلووات	تغییر تعرفه از ۲۳ تا ۳۷ ریال
۹	فاصله ۲۵ کیلووات	از ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلووات	تغییر تعرفه از ۴۶ تا ۷۴ ریال
۱۰	فاصله ۵۰ کیلووات	از ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلووات	تغییر تعرفه از ۷۸ تا ۹۲ ریال
۱۱	فاصله ۱۰۰ کیلووات	از ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلووات	تغییر تعرفه از ۱۰۰ تا ۱۰۵ ریال
۱۲	بیشتر از ۱۰۰۰ کیلووات		۱۱۰ ریال

صرف هزینه برق می شود که مسلماً از میانگین های ملی به مراتب بالاتر است. حتی چنانچه به آمارهای رسمی منتشر شده اعتماد و استناد کنیم (این آمارها معمولاً از ارقام واقعی فاصله زیادی دارند)، فشار مضاعفی که به شهروندان هرمزگانی وارد می آید، کاملاً مشهود می گردد؛ داده های زیر که از نشریه هزینه و درآمد خانوار شهری سال ۱۳۷۲ (از انتشارات مرکز آمار ایران) گزینش شده است تصویر گویا و روشنی را از ورای ارقام نمودار می سازد:

۱- میانگین ملی هزینه سالانه خانوار: ۲,۶۱۲,۷۳۶ ریال؛

۲- متوسط هزینه خانوار در استان

وضعیت ناپیوسته و انقطاعی آن است، به این معنی که مثلاً تعرفه های بین ۶/۷ تا ۷/۲۵، ۱۷/۷ تا ۲۰، ۲۰ تا ۲۳ و... در آن وجود نداشته و گذشته از آن معلوم نیست که، این تعرفه ها چگونه برآورد شده و تا این حد ریز شده است. حتی نمی توان یک ارتباط ریاضی و منطقی بین این تعرفه ها و تغییرات آن در جدول مزبور یافت.

۷- بررسی های اولیه کارشناسی نشان می دهد که، سهم هزینه برق در کل هزینه خانوار در استان هرمزگان بالاترین میزان مصرف در کشور است. در عمل، بیش از ۲۵ تا ۳۰ درصد از درآمد اقشار آسیب پذیر به ویژه کارمندان دولت

هرمزگان: ۵,۸۵۷,۹۹۷ ریال یا ۱/۳

برابر متوسط کشور؛

۳- میانگین هزینه سوخت و انرژی:

۱۳۹,۰۱۴ ریال؛

۴- متوسط هزینه سوخت و انرژی در

استان هرمزگان: ۳۶۸,۴۸۹ ریال یا

۲/۷ برابر متوسط کشور.

سایر داده‌ها و شاخص‌های هزینه که

در این نشریه منعکس شده نیز بازتابی

از این واقعیت است که، مردم هرمزگان

با وجودی که خدمات را با کیفیت

کمتری دریافت می‌دارند، بالاترین

هزینه‌ها را نیز بابت آن در کشور

می‌پردازند، در مورد هزینه برق حتی این

پرداخت سه برابر نیز قادر است فقط

شرایطی در حد تحمل و طاقت انسانی

به صورت مصنوعی و در یک فضای

کوچک و محقر تأمین نماید. بالا بودن

سطح درآمد خانوارهای شهری در

هرمزگان نیز در حدی نیست که، شکاف

موجود را پر کند؛ زیرا میزان آن ۱/۲ برابر

متوسط ملی است، در حالی که شکاف

هزینه از آن عمیق‌تر و ۱/۳ برابر است.

در مورد کارمندان دولت که درصد

قابل توجهی از جامعه شهری است این

شکاف عمیق‌تر است. خالص دریافتی

یک کارمند در بندرعباس یا جاسک

فقط ۱۶ درصد با تهران تفاوت داشته و

در قیاس با سایر نقاط از این مقدار نیز

کمتر است، در صورتی که تفاوت

هزینه‌ها حداقل ۳۰ درصد است.

الگوی فرضی مصرفی در جدول

شماره ۲ در مورد یک خانوار معمولی

شهری در بندرعباس و اعمال تعرفه

وزارت نیرو و هزینه ماهانه و سالانه

برق را نشان می‌دهد.

ملاحظه اجمالی جدول شماره ۱

وضعیت دردناکی را که برای یک کارمند

در صورت مصرف فقط ۱۰۰ کیلووات

بیش از حد متعارف در ماه پیش می‌آید

نشان می‌دهد. اگر فرض کنیم مصرف

برق این کارمند در چهارماه غیر گرم آذر

تا اسفند نیز حداقل ۱۰۰ هزار ریال (با

مصرف فقط ۱۰۰۰ کیلووات در ماه)

باشد، در نتیجه، کل هزینه هشت ماه برق

(شامل چهارماه گرم و چهارماه غیرگرم)

حداقل بافرمول « $4 \times 1000 + 4 \times 130000$ »

معادل ۹۲۰ هزار ریال خواهد شد. چهار

ماه باقیمانده که دو ماه آن (مهر و

فروردین که هوا عملاً در هرمزگان

بسیار گرم و مرطوب است) از نظر

شرکت برق غیر گرم محسوب می‌شود،

ممکن است حتی وضعیت مخاطره‌آمیزی

ایجاد کرده و از ارقام فوق به مراتب

بیشتر گردد، با احتساب حداقل هر دو

ماه ۳۰۰ هزار ریال، جمع کل هزینه

سالانه برق به ۱۵۲۰ هزار ریال بالغ

می‌گردد که معادل ۵۰ درصد دریافتی

یک کارشناس است.

۸- هزینه برق خانوارهای شهری در



جدول ۲- الگوی فرضی مصرف برق و هزینه پرداختی

هزینه تقریبی ماهانه	میزان مصرف ماهانه به کیلووات	ردیف
ریال ۱۳۰۰۰۰	۱- ۳۶۰۰ تا ۳۵۰۰	۱
ریال ۱۵۰۰۰۰	۲- ۳۷۰۰ تا ۳۶۰۰	۲
ریال ۱۸۰۰۰۰	۳- ۳۸۰۰ تا ۳۷۰۰	۳
ریال ۳۸۰۰۰۰	۴- ۴۵۰۰ تا ۳۸۰۰	۴
ریال ۴۰۰۰۰۰	۵- ۵۰۰۰ تا ۴۵۰۰	۵
۵۵۰۰۰۰ ریال به بالا	۶- بیش از ۵۰۰۰	۶

در هرمزگان همیشه از میانگین‌های ملی بیشتر بوده و لذا به راحتی می‌توان حدس زد که، میزان هزینه متوسط برق در سال ۱۳۷۴ حداقل به رقمی معادل ۷۲۰ هزار ریال (متوسط مساهانه ۶۰ هزار ریال) در خانوارهای شهری و بر طبق ضوابط و معیارهای مورد عمل در طرح هزینه و درآمد خانوار رسیده باشد.

به عقیده اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران، هزینه واقعی برق به طور میانگین بیش از میزان فوق و نزدیک به یک میلیون ریال بوده و بدیهی است با توجه به ساخت معیشتی و فرهنگی کارمندان دولت، این میانگین نزد گروه مزبور ممکن است بیشتر هم باشد. ملاحظه قبض‌های برق تعدادی از کارکنان شاغل در بخش دولتی استان هرمزگان به عنوان یک جامعه نمونه آماری از کارمندان دولت نه تنها صحت دیدگاه فوق را به اثبات می‌رساند، بلکه تصویر روشن‌تری از حقیقت امر نیز ارائه می‌نماید. حتی رونوشت این قبض‌ها

هرمزگان در عمل، سهم عمده و اساسی در کل هزینه‌های زندگی داشته و به طور قطع بالاترین میزان خود را در کشور داراست. در حقیقت بسا توجه به نازل بودن سطح استفاده از سایر هزینه‌های سوخت و انرژی (نفت و گازوئیل)، بیش از ۹۵ درصد از هزینه انرژی، مربوط به مصرف برق است.

با اطمینان و قاطعیت می‌توان گفت که، هزینه واقعی حتی به مراتب بیش از ارقام ارائه شده در گزارش مرکز آمار (هزینه و درآمد خانوار شهری) است. همچنین بدیهی است که، این هزینه‌ها در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ درصد رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. درصد رشد هزینه خانوارهای شهری در کل کشور در سال ۱۳۷۲ نسبت به سال ۱۳۷۱ معادل ۲۱ درصد بود که با عنایت به میزان تورم موجود احتمالاً در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ به ترتیب به ۳۵ و ۵۰ درصد بالغ شده است. به دلیل وضعیت حاکم بر ساختار اقتصادی استان، نرخ تورم

این موضوع که چه میزان همبستگی و پیوستگی میان متغیرهای اقتصادی (مانند سطح درآمد، گرانی، قدرت خرید و...) و شاخص ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی وجود دارد از حوصله این مقاله خارج است، ولی در عین حال نمی‌توان از وجود نوعی رابطه مستقیم بین این دو غافل ماند.

بررسی‌های غیر رسمی و شواهد و قرائن موجود نشان‌دهنده بروز بعضی از رفتارهای خاص بزهکاری پس از افزایش تعرفه‌های برق است که مورد تأیید مسئولان سازمان‌های برق منطقه‌ای نیز هست. در این بخش به چند نوع از آنها و تبعات ناهنجار فرهنگی و اجتماعی حاصل، اشاره خواهد شد. در حقیقت، اقتصاد خانوار نیز مانند هر پدیده دیگری تمایل به بقا و حفظ وضع موجود دارد و در شرایطی که به دلایل مختلف این امر امکان‌پذیر نگردد، دستیابی به ترفندهای غیرمشروع نیز به تدریج رواج یافته و حتی مشروعیت می‌یابد. با توجه به این که براساس آمارهای موجود، میزان رشد درآمد خانوارهای شهری و یا روستایی استان در چند سال اخیر به مراتب کمتر از میزان رشد هزینه‌ها و به ویژه هزینه‌های برق بوده است، سرپرست خانوار برای ثابت نگاه داشتن سهم این هزینه‌ها ناگزیر به یکی از چند روش زیر متوسل خواهند شد:

- ۱- کوشش در جهت افزایش درآمد خانوار؛
- ۲- صرفه‌جویی در مصرف؛
- ۳- کاهش سطح رفاه خانوار (از طریق

مربوط به سال ۱۳۷۳ و شش ماهه اول سال ۱۳۷۴) می‌تواند به عنوان اسناد و ضمایم گزارش پیوست گردد و شاهدهی صادق بر این مدعا باشد.

افزایش هزینه برق توأم با کاهش مصرف و به تبع آن افت سطح رفاه و آسودگی و همراه با تحمل تبعات نامطلوب آن، گویای واقعیت تلخ و نگران‌کننده‌ای است. وضعیتی که اگر استمرار یابد مسلماً به پدیده‌های ناهنجار در حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان استان تبدیل خواهد شد.

ادامه سیاست حذف یارانه‌ها و خودکفایی و سودآور نمودن شرکت‌های برق منطقه‌ای و توانیر که افزایش مستمر تعرفه‌ها را ناگزیر در پی خواهد داشت، چنانچه با روش‌های فعلی دنبال گردد و همراه و هماهنگ با آن، سطح درآمد خانوارها افزایش نیابد، زندگی آنها را در گردونه عقب ماندگی می‌اندازد و به تدریج آنها را به محدوده‌های پایین‌تر خط فقر خواهد راند.

۴- تبعات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

معمولاً در شرایطی که قدرت خرید خانوارها تحت تأثیر گرانی و تورم حاکم بر اقتصاد جامعه دستخوش روند قهقراپی گردد، شاخص بزهکاری‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری رو به رشد می‌گذارد.



جامعه برگشت داده می‌شود، ولی نباید بخش نسبتاً کوچکی از کل جامعه را که به قهر طبیعت و فقر اقلیم دچارند وادار نمود که تمام هزینه تعدیل شرایط جوی را بدون حمایت ملی تقبل نماید. ماندگاری جمعیت در این پهنه بسیار حیاتی و استراتژیک در جهت حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی آن یکی از مهمترین استراتژی‌های سیاسی است و بسايد نا حد ممکن بعضی از یارانه‌های لازم برای تحقق این سیاست از خزانه ملی تأمین گردد. واقعیت این است که، هزینه زندگی (و به تبع آن هزینه برق مصرفی) در مناطق گرمسیر بسیار بالاتر از سایر نقاط کشور است و فقط با استفاده از نیروی برق است که، امکان بقا و ماندگاری در این شرایط طاقت فرسای اقلیمی وجود دارد و نباید فراموش کنیم که صرف این هزینه‌ها فقط می‌تواند حداقل شرایط زیست را فراهم سازد. استفاده از کولرهای گازی، هوای خنک را فقط در یک چهار دیواری کوچک و بسته به ارمغان می‌آورد که، به هیچ وجه قابل مقایسه با هوای خنک و دلپذیر و یا حداقل قابل تحمل تابستانی در بیشتر نقاط کشور نیست و این امر نیز با صرف هزینه‌های سنگین صورت می‌پذیرد. تسری اهداف و سیاست‌های تعدیل اقتصادی به بخش برق در محدوده جغرافیایی مناطق گرم و مرطوب جنوب و تأمین هزینه‌های تولید توسط خود مردم، منطبق اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی ندارد؛ زیرا در نهایت می‌تواند به گرایش نیرومند ضد توسعه این مناطق تبدیل گردد. در حال حاضر نیز به

کاهش سایر هزینه‌های زندگی؛
۴- رو آوردن به بزهکاری (دزدی برق و...) و سایر اعمال خلاف.
با عنایت به اینکه تلاش در جهت افزایش درآمد اولاً عمومیت نداشته و ثانیاً به‌کندی صورت خواهد گرفت (گذشته از آن‌که ممکن است افزایش درآمد از طریق اعمال خلاف صورت گیرد و خود این عامل موجب رشد بزهکاری در جامعه گردد)، فقط سه مورد مصداق عملی خواهد یافت. موارد دوم و سوم مستقیماً به افت سطح زندگی و رفاه خانوارها می‌انجامد که خود یک پدیده ناهنجار اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌گردد. در واقع، تمامی تلاش دولتمردان و برنامه‌ریزان در جهت رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی مردم سازماندهی شده و این نوعی نقض غرض است که نتایج معکوس از اقدامات توسعه حاصل گردد. بهایی که برای دستیابی به یک هدف مطلوب پرداخت می‌شود نباید فراتر از توان مستفیع‌شوندگان باشد و آنها را دستخوش رنج و محنت سازد. حتی اگر با این استدلال مواجه شویم که، صدمات کوتاه مدت می‌تواند متضمن منافع دراز مدت باشد، می‌توان پاسخ داد که چرا باید بخشی از جامعه که شامل ساکنان مناطق محروم گرمسیری کشورند بیش از دیگران متحمل صدمات آن گردند.
مسلم است که، جامعه باید هزینه خدماتی را که دریافت می‌دارد به تمام و کمال پرداخت نماید و بدیهی است که منافع حاصل از این تصمیم در درازمدت به کل

دلایل متعدد مانند فقر جغرافیایی، گرانی و تورم مضاعف، ضعف شبکه‌های خدماتی مانند خدمات آموزشی و درمانی و سطح پایین دستمزدها، بخش دولتی استان هرمزگان را با گرایش منفی جذب نیرو مواجه ساخته و اعمال تعرفه‌های برق به این گرایش بیشتر دامن می‌زند.

ایسن حقیقت انکارناپذیر که تفاوت دریافتی یک کارمند حتی نمی‌تواند جوابگوی هزینه‌های برق او باشد به تنهایی برای اثبات مدعای گزارش حاضر کافی است. در اینجا به بعضی از تبعات و ناهنجاری‌های رفتاری که در یکی دو سال اخیر مشاهده شده و روند رو به رشدی داشته است اشاره می‌نماییم:

۱- برق دزدی و دست بردن در کتورهای برق: در حال حاضر از روش‌های مختلفی برای کند کردن سرعت گردش کتور در جهت کم نشان دادن مصرف استفاده شود.

۲- توافق احتمالی با مأمور برق، به منظور توزیع میزان مصرف بین ماه‌های مختلف و اعلام مصرف غیر واقعی زیر ۳۵۰۰ کیلووات.

۳- باز نکردن در به روی مأموران برق و ارائه ارقام مصرف کتور توسط خود مشترک: این روش از طرف مشترکین در جهت یکنواخت نشان دادن توزیع مصرف به نحوی که شامل هزینه‌های تصاعدی مربوط به کل مصرف نگردد

اعمال می‌شود.

۴- ایجاد دلشوره و نگرانی دائم در مردم و بازتاب‌های روانی آن: بازدید هر روزه کتور، مشاجرات خانوادگی راجع به مصرف برق و تأکید مداوم سرپرست خانوار بر اعمال صرف جویی، نگرانی و وسواس تا زمان وصول قبض برق و اضطراب ناشی از آن به پدیده‌ای رایج و همه‌گیر تبدیل شده است.

۵- تبعات ناهنجار رفتاری و فرهنگی: اعمال سیاست صرفه جویی توسط خانوارها موجب بروز بعضی پدیده‌های ناهنجار از دیدگاه مذهبی، فرهنگی و اجتماعی شده است. روحیه مهمان‌پذیری مردم خونگرم و مهربان استان هرمزگان، بالا بودن بُعد خانوار و وجود پسران و دختران بزرگ و بالغ در خانواده‌ها، با استفاده انحصاری از یک کولر منافات دارد. خوابیدن تمام افراد خانواده در یک اتاق از نظر شرعی اشکال داشته و حتی می‌تواند باعث صدمات رفتاری و روانی نزد اطفال گردد. همچنین تأثیرات سوء بر رفتارهای خانواده و اجتماع به منظور اعمال صرفه‌جویی‌های غیر لازم تبعات نامطلوب دیگری را در پی خواهد داشت.

۵- جمع‌بندی بررسی‌ها و ارائه پیشنهاد

۱-۵- خلاصه دیدگاه‌ها

نتایج بررسی‌های انجام گرفته در این



خانوارها شکل خاصی از رفتارهای خانوادگی را که بعضاً مغایر با سنن و آداب پذیرفته شده بوده و یا از نظر شرعی و اخلاقی جایز نمی باشد به وجود آورده است.

۹- به نظر می رسد نحوه محاسبه مورد عمل هزینه برق توسط شرکت های برق منطقه ای انطباق کاملی با قوانین مربوطه و مفاد تبصره ۲۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ نداشته و نوعی اقدام خودسرانه و غیرقانونی است. این شرکت هزینه ها را بر مبنای کل مصرف در هر مقطع محاسبه می نماید، در حالی که محاسبه بر مبنای مازاد مصرف نیز مغایرتی با قانون مزبور ندارد.

۱۰- محدوده تعیین شده مصرف در استان هرمزگان با واقعیت های موجود تضاد ماهوی دارد. در عمل، میزان مصرف ماهانه در فصول گرم بیش از حد معمول وضع شده، یعنی ۳۵۰۰ کیلووات برده و در فصول غیر گرم نیز بیش از ۷۵۰ کیلووات است، مگر اینکه یا صرفه جویی شدید و غیر ضروری که خود موجب افت شدید سطح زندگی است، اعمال شده و یا به اقدامات خلاف اخلاق و شرع توسل جست.

۱۱- افزایش تعرفه برق، امری مؤثر در ایجاد گرایش های منفی جذب نیروی انسانی متخصص در منطقه است. این امر وضعیت نامطلوبی که در حال حاضر نیز در جذب این نیروها وجود دارد، تشدید می نماید.

خصوص و مطالب مطرح شده در این گزارش را می توان در محورهای زیر خلاصه و جمع بندی کرد:

۱- افزایش تعرفه برق در هرمزگان تبدیل به حرکتی ضد توسعه خواهد شد.

۲- این افزایش، سطح برخورداری از رفاه در خانوارهای شهری و حتی روستایی را به تدریج کاهش خواهد داد.

۳- استراتژی کاهش مصرف برق و صرفه جویی در آن، اعتراف ضمنی به واپس گرایی و سیر قهقراپی توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است.

۴- سهم بالای هزینه برق در کل هزینه خانوار نوعی ناهنجاری و یک پدیده نامطلوب اقتصادی تلقی می گردد.

۵- هزینه برق در استان هرمزگان از تمامی نقاط کشور بیشتر است که خود موجب نابرابری اقتصادی مضاعف به ویژه در میان قشرهای کم درآمد و آسیب پذیر می شود.

۶- افزایش تعرفه برق نگرانی عمیق و دائمی نزد خانواده های شهری هرمزگان به وجود آورده و تنش های فزاینده را دامن می زند.

۷- نحوه محاسبه هزینه برق و مصرف آن، پیامدها و تبعات ناهنجار فرهنگی و اجتماعی بسیاری را از قبیل توافقی با مأمور برق، اعلام غیرواقعی میزان مصرف و دزدی از کنتور داشته و تأثیرات نامطلوبی بر نحوه معیشت مردم گذاشته است.

۸- سیاست صرفه جویی مستمر توسط

۱۲- افزایش تعرفه مصرف برق با هر هدفی که انجام گرفته باشد، تبعات متعدد و نامطلوبی در حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم هرمزگان خواهد داشت. نارضایتی عمومی و نگرانی دائمی آنها، افت شدید سطح زندگی، گسترش روحیه خرافکاری و ایجاد روند منفی توسعه را نباید مهمترین بازتاب آن به شمار آورد. اگر بررسی دقیق و موشکافانه‌ای در این خصوص انجام گیرد، شاید نتیجه حاصل نتواند رضایت ما را جلب نماید و حتی نشان دهد که، چه خلاء عمیقی بین آنچه به دست می‌آوریم و آنچه از دست خواهیم داد به وجود خواهد آمد؛ شکافی که ممکن است پرکردن آن به زودی و به آسانی مقدور نباشد.

۲-۵- پیشنهادها

پیشنهادهای زیر با عنایت به مشکلات و تنگناهای حاصل از افزایش تعرفه برق و در جهت رفع آنها ارائه می‌شود:

۱- تجدید نظر کلی در تعرفه‌های موجود و نحوه محاسبه هزینه برق مصرفی؛ نگرش دوباره به این موضوع باید پیامد مطالعه و بررسی دقیق کارشناسی بوده و عوامل ساختاری پدیده را تجزیه کند. عواملی مانند بُعد خانوار، هزینه‌ها و درآمدهای خانوارهای شهری و روستایی، ساختار فرهنگی و معیشتی این خانوارها در استان هرمزگان، ابعاد

شرعی و اجتماعی قضیه و در نهایت پیامدهای مختلف امر را باید در تهیه و تنظیم تعرفه‌های جدید دخالت دهند و ضریب اهمیت لازم نیز به آنها داده شود. تعرفه موجود را باید فارغ از تأثیر عواملی که فقط ناظر بر مصرف حداقل و محدود به یک کولر و چند وسیله برقی و در سطحی غیراستاندارد است، مطالعه شود.

۲- افزایش طیف زمانی ماه‌های گرم از شش ماه به هشت ماه؛ لازم است ماه‌های فروردین تا آبان در استان هرمزگان (و سایر مناطق گرمسیر و مرطوب مشابه و حداقل شهرهای ساحلی) در محدوده ماه‌های گرم، و ماه‌های آذر تا اسفند، غیر گرم محسوب شود.

۳- افزایش میزان مصرف عادی ماهانه:

پیشنهاد می‌شود میزان مصرف معمولی از ۳۵۰۰ به ۵۰۰۰ کیلووات (یا حداقل ۴۵۰۰ کیلووات) به منظور انطباق با واقعیت و جلوگیری از افت شدید سطح زندگی خانوارها افزایش یابد. در مورد ماه‌های غیرگرم نیز این میزان تا ۱۰۰۰ کیلووات افزایش یابد.

۴- تغییر در تعرفه مصرف و کاهش آن؛ کاهش تعرفه‌ها به ویژه در محدوده مصرف ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلووات باید اقدامی ضروری تلقی گردد. برای تحقق این امر لازم است در لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ به بعد این موضوع پیش‌بینی شود



فقط می‌توانند درصد معقولی از دریافتی خود را صرف هزینه برق کنند. تعرفه کنونی نه تنها بخش قابل توجهی از دریافتی حقوق بگیران را می‌بلعد، بلکه با روش محاسبه کل مصرف، همیشه این خطر وجود دارد که، در صورت کمی اسراف و در واقع صرفه‌جویی نکردن (به هر دلیل)، تمام دریافتی و حتی در مواردی بیش از آن را در وجه شرکت برق منطقه‌ای واریز نمایند. با روش محاسبه مازاد مصرف، امکان کنترل مصرف و به تبع آن هزینه پرداختی، بدون آن‌که نگرانی و دغدغه وارد شدن ارقام مصرف به محدوده خطر (محدوده تعرفه بالا و کل مصرف) آرامش خاطر مصرف کننده را به کلی زایل سازد، وجود دارد. این روش حتی فاقد تبعات ناهنجار ذکر شده بوده و با پذیرش و اقبال عمومی روی خواهد شد.

همان‌طور که گفته شد، کاهش احتمالی درآمدهای شرکت برق را می‌توان با وضع تعرفه بسیار بالا بر مصارف خارج از محدوده استاندارد چیران نمود. به عبارت دیگر، هر کیلووات اضافی حتی به صورت تصاعدی باید مشمول تعرفه بالا شود تا از این طریق هم امکان صرفه‌جویی فراهم شده و هم مصرف‌کنندگانی که مصرف برق بالایی دارند هزینه‌های واقعی آن را تقبل نمایند. این مکانیزم مستلزم ارائه یارانه محدودی از طرف دولت است. بهایی که پرداختن به آن ممکن است به معنی

و به تصویب نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برسد. حداقل این کاهش باید به میزان ۵۰ درصد نرخ فعلی باشد.

بدیهی است برای جبران کاهش درآمد شرکت‌های برق و در جهت کاهش سرانه مصرف (در محدوده‌های پر مصرف) می‌توان تعرفه‌های موجود را از ۵۰۰۰ کیلووات به بالا افزایش داد. در هر حال، دیدگاه حاکم بر این استراتژی باید توانایی شهروندان را در تأمین و پرداخت هزینه معقول برق و متناسب بودن سهم آن در کل هزینه‌های خانوار (تا ۵۰۰۰ کیلووات) مدنظر قرار دهد.

۵- حذف روش محاسبه بر مبنای کل مصرف: مهمترین پیشنهاد را باید حذف روش محاسبه بر مبنای کل مصرف، در حد بالاتر از سقف تعیین شده تلقی کرد که در حال حاضر مورد عمل شرکت برق منطقه‌ای است. روش محاسبه هزینه باید به صورت صعودی و نسبت به مازاد محدوده قبلی بوده و آن را باید تنها مکانیزم عقلایی و منطقی دانست. اگر مثلاً سقف مجاز ۳۵۰۰ کیلووات باشد، باید تعرفه صعودی را مصرف مازاد محاسبه کنند و نه از کل مصرف. تا از ایجاد هزینه‌های غیر مترقبه و غیر قابل پیش‌بینی که شهروند معمولی قادر به تأمین آن نیست جلوگیری گردد. مصرف‌کنندگان دارای درآمد ثابت (حقوق بگیران مانند کارمندان دولت و کارگران و کارکنان بخش خصوصی)

بخشش از مبین اسلامی و رفع نگرانی‌های فزاینده آنها در خصوص هزینه‌های روبه‌رشد برق، در گرو همت مسئولان و نمایندگان استان در مجلس و عنایت و توجه هیئت دولت و مجلس شورای اسلامی بوده و اقدامی بایسته و ضروری است.

فهرست منابع:

۱. وزارت نیرو، تعرفه های برق و شرایط عمومی آنها تهران، ۱۳۷۲.
۲. سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان، گزارش مشکلات تأمین هزینه برق مصرفی خانوارها در هرمزگان، دریسانورد، صالح. بندرعباس، مهرماه ۱۳۷۴.
۳. مرکز آمار ایران، شاخص بهای خرده فروشی کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارهای شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۷۳، تهران، ۱۳۷۴.
۴. سازمان برنامه و بودجه، ماده واحده و تبصره‌های قانون بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور، تهران.
۵. سازمان برنامه و بودجه، ماده واحده و تبصره‌های قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور، تهران.
۶. مرکز آمار ایران، هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۲، تهران.

□□□

قربانی کردن بعضی از ارزش‌ها و آرمان‌ها، یا ایجاد نارضایتی فزاینده عمومی و پیامدهای ناهنجار ناخواسته باشد. این روش باید به نحوی گزینش شود که، با عنایت به درآمدهای متوسط اقشار کم درآمد و طبقات متوسط جامعه، حداکثر معادل ده درصد از کل هزینه‌های خانوار است. به عنوان یک رقم مطلوب نیز هزینه ماهانه برق در تاپستان برای مصارفی با میزان ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کیلووات بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار ریال تعیین گردد.

۶- دو نرخ کردن و یا ایجاد دو تعرفه مختلف: یکی از پیشنهادهای جانبی، دو نرخ کردن تعرفه است. کارمندان دولت و کارگران به دلیل نازل بودن سطح درآمد از یک سو و ثابت بودن آن از سوی دیگر، باید مشمول تعرفه سطح پایین گردند. این روش به منزله اهرمی نیرومند، نیروهای انسانی متخصص استان را که در شرایط کنونی کمبود آن به صورت یک عامل ضد توسعه درآمد است، به بخش دولتی جذب می‌نماید.

۷- همکاری مجلس شورای اسلامی: بدیهی است مشروعبیت پیشنهادهای فوق بعضاً منوط و مشروط به تصویب مجلس شورای اسلامی در چارچوب لوایح و تبصره‌های قانون بودجه خواهد بود.

پاسخگویی به نیازهای به حق مردم این